

دیده بان ...

در بخش دیده بان، به دنبال این هستیم که دانش آموزان چالش‌های موجود در مدارس را بی‌واسطه با مسئولین موسسه و مجتمع مطرح کنند، تا با احساس مسئولیت نسبت به مشکلاتشان، برای آن‌ها چاره‌ای بیاندیشند، بتوانند این چالش‌ها و چاره‌ها را به خوبی طرح و از کانال‌های موجود برای انعکاس آن‌ها استفاده کنند. در این دیده بان، کمرنگ بودن شادی در مدارس گفت‌وگو با مدیرعامل مجموعه دبیرستان در قرار گرفته است.

نظماً آموزان! وقتش از جامعه دور است!

فاطمه جاوید/ دانش آموز پایه سوم، متوسطه دوم

گفت‌وگو

مدرسه‌ها

۳۵

امکان حضور در دانشگاه‌ها وسیع‌تر شده و حتی تعداد صندلی‌های خالی بسیار زیاد است، بیش از پیش کیفیت و رتبه‌بندی علمی مهم شده است. طبعاً دانش‌آموزان می‌خواهند دانشگاه‌های خوب و دولتی قبول شوند و به همین علت استرس بیشتر شده است. به طور کلی در گذشته خانواده‌ها در مقایسه با امروز کمتر به فکر تحصیل فرزندان بودند، بنابراین استرس ورود به دانشگاه کمتر بود.

باتوجه به اینکه زیاد شنیده می‌شود سطح سواد و تخصص فارغ التحصیلان زمان شما از فارغ التحصیلان امروز بیشتر است، آیا استرس‌های موجود که عمدتاً ناشی از تست و آزمون‌های متعدد است، نتیجه معکوس به دنبال نداشته است؟

چرا قطعاً همین‌طور است و این به نظام آموزشی ما برمی‌گردد. اگر بتوانیم در همین نظام آموزشی کارهایی انجام دهیم که جهت‌گیری ما را متفاوت کند تا از میزان استرس بکاهیم، بسیار خوب است. چون استرس هم بر درس خواندن دانش‌آموز اثر می‌گذارد و هم بر شاد بودن و حتی آینده او. اما در دنیا شاید رسم بر این نباشد، مثلاً وقتی در کانادا از یک دبیرستان دوره‌دوم بازدید داشتیم، متوجه شدم امتحانات متمرکز مدرسه‌ای هم ندارند یا خیلی محدود است.

در سال‌های اخیر به دلایل متعددی، نشاط در مدارس کاهش و استرس مخربی شدت یافته است. با توجه به تبعات منفی که نبود نشاط و افزایش استرس می‌تواند بر آینده دانش‌آموزان داشته باشد، با غلامعلی سفید گفت‌وگویی داشتم تا زمینه‌های این پیشامد نامطلوب را بررسی و چاره‌ای برای آن بیاندیشیم.

فاطمه جاوید: آیا دانش‌آموزان در زمان تحصیل شما استرس بیشتری داشتند یا امروز؟

غلامعلی سفید: هر زمانی شرایط خاص خودش را دارد. میزان استرس بسته به روحیات دانش‌آموز و خانواده متفاوت است؛ یعنی زمان تحصیل دانش‌آموز، روحیات او و هم رویکرد خانواده‌ها به تحصیل دانش‌آموزان. به همین دلیل نمی‌توان یک حکم کلی داد، ولی شاید بتوان گفت در آن روزها هم تعداد دانش‌آموزان کمتر بود و هم تعداد دانشگاه‌های غیردولتی. این حجم وسیع دانشگاه آزاد هم وجود نداشت. دانشگاه‌ها عمدتاً دولتی بودند و امتحانات کنکور هم برای گزینش دانشجو بعضاً غیر سراسری بود. مثلاً دانشگاه نفت که متعلق به وزارت نفت بود امتحان خودش را داشت یا دانشگاه صنعتی شریف فعلی هم امتحانات مستقل داشت و به این علت استرس کمتر بود. اما امروز با وجودی که



بر این است که خانواده، دانش‌آموز و مدرسه با هم در تعامل باشند؛ دانش‌آموزان پیشنهاد برنامه‌های مختلف را بدهند و ما به مدیران توصیه می‌کنیم که همکاری کنند.

آقای مهندس سفید، پیشنهادات از سوی دانش‌آموزان مطرح می‌شود، اما ۵۰ درصد اجرایی شدن آن در دست خودشان است. زمانی که مدارس امتحانات بسیار فشرده می‌گذارند که باید ۱۰۰ صفحه کتاب درسی را در یک شب خواند، چگونه دانش‌آموز می‌تواند با خیال آسوده در این فعالیت‌ها شرکت کند؟ بهتر نیست در

برنامه‌ریزی مدارس، بین درس و فعالیت‌های فوق‌برنامه تعادل وجود داشته باشد؟

حرف شما را قبول دارم. بر نظام آموزشی ما ایراداتی وارد است که در آستانه تحول است. اما درون همین نظام هم می‌توان روزنه‌هایی یافت و کارهایی انجام داد، نه اینکه فضا خیلی آماده باشد، اما می‌توان روزنه‌های امید می‌پیدا کرد و از آن‌ها استفاده کرد.

شخصاً وقتی مقاطع مختلف را باهم مقایسه کردم، متوجه شدم بیشتر فعالیت‌های فوق برنامه در دبستان‌ها و متوسطه دوره اول اجرا می‌شود، مثل برگزاری طرح جابربن حیان و یا جشنواره مهارتی. آیا نباید جای خالی این برنامه‌های نشاط‌آور در متوسطه دوره دوم پر شود؟

در سال‌های اخیر اتاق فکری در موسسه ایجاد کردیم که در این زمینه‌ها فعالیت و برنامه‌ریزی می‌کند، و انصافاً قدم‌های خوبی هم برداشته

اگر بتوانیم در همین نظام آموزشی کارهایی را انجام دهیم که جهت‌گیری ما را متفاوت کند تا از میزان استرس بکاهیم، بسیار خوب است.

است؛ تقریباً در پیش دبستانی‌ها و دبستان‌ها به‌سمتی رفتیم که از حفظیات کم کنیم و به شاد بودن و پژوهش بین همکاران و دانش‌آموزان رو بیاوریم. در ابتدایی و متوسطه دوره اول تلاش کردیم با والدین، دانش‌آموزان و همکاران کارگروهی بیشتری داشته باشیم. مثلاً در راهنمایی یک روز در هفته به کارهای فوق‌برنامه اختصاص دارد که دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف هنری و حتی علمی-پژوهشی-مهارتی شرکت می‌کنند، مثل بافتنی، آشپزی و... بدون این‌که بحث امتحان مطرح باشد. پایان دوره هم جشنواره‌ای برای عرضه آموخته‌ها و محصولات دانش‌آموزان برپا می‌شود. اما در متوسطه دوره دوم به علت اینکه نقطه‌اتصال به دانشگاه است و از طرف دیگر نگرانی خانواده‌ها زیاد است، کار سخت‌تر است.

به نظر شما این مسئله به کدام ضلع مثلث خانواده، دانش‌آموز و مدرسه برمی‌گردد؟

به همه آن‌ها! نظام آموزشی، محتوای درس، معلم، خانواده و دانش‌آموز همگی در این مسئله نقش دارند. در واقع نظام ما برای این تبیین شده که دانش‌آموز در دوره متوسطه فقط دانشگاه را مد نظر داشته باشد و با این شرایط maratn کنکور را پشت‌سر بگذارد؛ این مجموعه اشکال کار است.

شاید اگر بحث نظام را به میان بکشیم هیچوقت نتوانیم به راهکار مناسبی برسیم! شاید بهتر است با درون‌نگری به این مسئله بپردازیم. در طرح یادواره شهدا که چند سال است برگزار می‌شود و انصافاً هم دانش‌آموزان مشارکت خوبی در آن داشته‌اند، نه تنها تأثیر منفی روی درس آن‌ها نگذاشته، حتی انگیزه بچه‌ها در زمینه درسی را بیشتر کرده است (گزارش آن در مجله شماره قبل آمده است) جالب این‌جاست که تعامل بین مسئولین مدرسه و خانواده‌ها هم به واسطه این برنامه بیشتر شد. این نشان می‌دهد اگر مدرسه بخواهد

دانش‌آموزان به‌صورت هفتگی یا در هر جلسه امتحان می‌دهند؛ بعضی ارزشیابی‌ها هم به‌صورت گروهی است. حتی ارزشیابی‌هایی در قالب کار بیرون از مدرسه است، مثلاً کار در بیمارستان‌ها، مطب‌ها، رستوران‌ها و امثال آن، که باعث می‌شود دانش‌آموزان با نحوه کسب درآمد، هزینه، برنامه‌ریزی مالی، پرداخت مالیات، عوارض و غیره آشنا شوند و برای ورود به بازار کار و جامعه آماده باشند.

کلاس‌های ما متأسفانه این‌طور نیست و تماماً حفظیات و حفظیات است که این خود استرس را افزایش و هدف‌گذاری برای آینده را دچار مشکل می‌کند. خوشبختانه مسئولین متوجه این وضعیت شده و بحث تحول نظام آموزش و پرورش را مطرح کرده‌اند. در عین حال فکر می‌کنم در همین نظام و شرایط فعلی هم اگر بچه‌ها با هم همکاری کنند، می‌توان مدرسه شاد و کم‌استرسی داشت. امروزه در آموزش و پرورش فرصت‌های خوبی مثل همین شورای دانش‌آموزی، انجمن اسلامی و یا بسیج ایجاد شده است. دانش‌آموزان می‌توانند برای حرکت‌های مختلف برنامه‌ریزی کنند. تأکید ما هم در مدارس



وارد عمل شود، می‌تواند کارهای خوبی انجام دهد و حتی خانواده‌ها را هم با خود همراه کند. چرا این برنامه نباید مداوم باشد؟ چرا در زمینه‌های مهارتی برنامه‌ای نداشته باشیم؟

خب همین کار را این موسسه انجام داده که حتی در سطح استان نمونه شد، البته در تهران قبلاً انجام شده است. در استان یزد «یادواره شهدا» اولین حرکتی بود که دانش‌آموزان محور شدند و در وهله بعد خانواده‌ها نقش پررنگی داشتند. من از همین کانال خطاب به دانش‌آموزان اعلام می‌کنم که عزیزان من ناامید نباشید و پیشنهادات دیگری بدهید، ما هم پیگیری خواهیم کرد. البته موضوع دیگری که وجود دارد این است که وقتی مدرسه به عنوان مثال کلاس‌های فوق‌برنامه برای مهارت‌های زندگی تشکیل می‌دهد، بعضی از دانش‌آموزان و خانواده‌ها اعتراض می‌کنند که چرا این برنامه‌ها را گذاشتید، ما از درس عقب می‌افتیم! خود این مسئله باعث تحریک دانش‌آموزان دیگری که در برنامه شرکت کرده‌اند می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم این بحث به یک آمادگی عمومی بین مدرسه، دانش‌آموز و خانواده نیاز دارد. ضمن اینکه کار فرهنگی امری است تدریجی و به طور ناگهانی رخ نخواهد داد، بلکه به تدریج و همراه با تانی و تدبیر اتفاق می‌افتد.

تربیت می‌کنیم که در آینده انسان موفقی شوند.

ولی آزمون‌های مقایسه‌ای فقط در استان یزد برگزار می‌شود!

بله، پیشنهاد موسسه جوادالائمه هم این بود که این آزمون‌ها برگزار نشود، چون دانش‌آموزان را به سمت بحث‌های ذهنی و حفظیات می‌برد و از مهارت‌های مهم‌تر مثل چرایی مطلب و کاربرد آن‌ها در زندگی دور می‌کند. البته من خوشحالم وقتی می‌بینم خانواده‌ها و آموزش‌وپرورش در حال تحول هستند. همین که آموزش‌وپرورش سند تحول نظام آموزشی را نوشته و شورای عالی آموزش‌وپرورش هم آن را تصویب کرده، یعنی تصمیمی بزرگ و جدی گرفته شده است. موسسات هم در حال آماده شدن برای این تحول هستند، البته کم‌رنگ. باید جدی‌تر عمل کرد و پیشگام بود که قطعاً ما هم باید در صف پیشگامان باشیم.

ساز و کارتان برای اینکه خانواده‌ها با این رویکرد شما ارتباط برقرار کنند چیست؟

یکی از آنها همین نشریه و مصاحبه‌ها است.

شما بحث نقص نظام آموزشی را مطرح کردید، اما من می‌خواهم با نگاه خودارزیابی و با مثالی که از توانمندی مدرسه و دانش‌آموز در همین نظام فعلی زد، این مسئله را بشکافم که آیا کم‌کاری از جانب مدرسه است یا دانش‌آموز؟ دانش‌آموزان ایده‌ها و برنامه‌های مختلفی پیشنهاد می‌دهند که به دلایل مختلفی در مدرسه سرکوب می‌شود.

دانش‌آموزان بگویند چه ایده‌هایی در مدرسه مطرح کرده‌اند، که اجرایی نشده است! اصلاً همین الان و از این لحظه قول و قرارمان این باشد که ما از پیشنهادات معقول استقبال و آنها را در مدرسه اجرایی می‌کنیم.

درواقع حرف من دانش‌آموز این است، زمانی که مدیران انجام برنامه‌ای را مسئولیت خودشان بدانند، پیگیری می‌کنند و طبعاً انجام هم می‌شود. الان غالب مدیران مدرسه خودشان هم به این مسئله واقف هستند که بیشتر روی جنبه آموزشی متمرکز هستند، چون می‌خواهند مدرسه آن‌ها از نظر علمی همیشه اول باشد.

حرف شما را قبول دارم. متأسفانه ابزار سنجش ما، آزمون‌های مقایسه‌ای و کنکور است؛ ابزار سنجش ما موفقیت در زندگی نیست، مثلاً آیا بعد از این که دانش‌آموز دوران مدرسه خود را سپری کرد و به جامعه وارد شد انسان موفقی در دوست‌یابی، ازدواج پیاده‌کردن ارزش‌های انسانی شده است؟ در واقع می‌خواهیم ارزش‌یابی‌های ما کوتاه‌مدت و سریع باشند. به همین خاطر ابزار ارزشیابی امتحانات مقایسه‌ای می‌شود و بعد از آن اعلام نتایج، که مثلاً فلان مدرسه ای در درس ریاضی اول شد و آن یکی دوم! خواه ناخواه مدیران و دبیران هم به دنبال این هدف می‌روند که در ردیف اولین‌ها و برترین‌ها قرار بگیرند که از نظر من روال صحیحی نیست. البته این دست ما و مدارس خاص نیست، سیستم باید بپذیرد و بگوید که ما مقایسه را حذف می‌کنیم و برای این هدف دانش‌آموزان را

**تقریباً در
پیش‌دبستانی‌ها و
دبستان‌ها به‌سمتی
رفتیم که از حفظیات
کم‌کنیم و به شاد بودن
و پژوهش بین همکاران
و دانش‌آموزان رو
بیاوریم**

خب اینکه خیلی محدود است، چون تنها یک شماره از نشریه به دست والدین و دانش‌آموزان می‌رسد و بقیه شماره‌های آن داخلی است، در حالیکه نیاز است خانواده‌ها بیشتر در معرض افکار و رویکرد مدارس قرار بگیرند. انجمن اولیا و مربیان چه نقشی ایفا می‌کند؟ آیا از پتانسیل‌های آن به خوبی استفاده می‌شود؟

در راهنمایی یک روز در هفته به کارهای فوق‌برنامه اختصاص دارد که دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف هنری و حتی علمی-پژوهشی شرکت می‌کنند، مثل بافتنی، آشپزی و ... بدون اینکه بحث امتحان مطرح باشد

بودیم؛ یکی از مشکلات ما این است که نظام آموزشی ما از جامعه دور است، نه فقط مدارس، دانشگاه‌ها هم همین‌طور هستند؛ استاد تدریس می‌کند و دانشجو درس می‌خواند و این دو کمتر با مدیران اجرایی کشور در ارتباط هستند. مثلاً وزارت مسکن و شهرسازی با دانشکده‌های عمران ارتباط منظم و مشخصی ندارند که گویا در دنیا چنین نیست! یعنی استاد بخشی از حقوقش را از دانشگاه می‌گیرد و بقیه آن را باید بیرون از دانشگاه، از محل پروژه‌هایی که از وزارتخانه‌ها، شرکت‌های خصوصی و موسسات تحقیقاتی می‌گیرد، درصدی برای خودش و درصدی برای دانشگاه بردارد. یعنی در حقیقت بودجه دانشگاه از محل پروژه‌های جاری مملکت است؛ این مسئله‌ای تامل برانگیز است.

کار دیگری که از اتفاق فکر شروع شد و بین مدیران مدارس، معاونین پایه و معلمان باب شد، مطالعه و بررسی کتاب‌های مشخصی درباره نظام‌های آموزشی دیگر است تا با ویژگی‌ها و اهدافی که در سیستم‌های آموزش و پرورش نوین دنیا دنبال می‌شود آشنا شویم. بعضی از روش‌ها

هم به طور خاص در چند پایه مشخص در حال پیاده‌سازی است که ممکن است جواب بدهد. شاید بهتر باشد دانش‌آموزان و خانواده‌ها هم از جریان‌های جدید آموزشی در سراسر دنیا مطلع شوند، تا به تدریج برای حرکت در این مسیر آماده شویم.

شما در نشست‌هایی که سال گذشته با والدین داشتید، خیلی جدی بر موضوع ارتباط با آن‌ها تاکید کردید، اما با یک ارزیابی می‌شود فهمید از سال گذشته تا به این لحظه دیگر نشست و هم‌فکری با آن‌ها صورت نگرفته و ارتباط با هدف تحول در مدارس قطع شده است. چرا این شکاف هم‌چنان دیده می‌شود؟

من این‌طور فکر نمی‌کنم، این اتفاق کم‌کم در حال اجراست.

اما من با شما موافق نیستم، چراکه همین روند تدریجی هم دیده نمی‌شود؟

خب، اولاً همه مستقل فکر می‌کنند و ثانیاً به نظر می‌آید در حد توان کارهایی انجام شده است. چشم ما هم جدی‌تر دنبال می‌کنیم و شما هم ایده بدهید، چون ما، شما و خانواده‌ها به عنوان سه رکن اصلی آموزش هستیم که از هم تاثیر می‌پذیریم و بر هم تاثیر می‌گذاریم.

آخرین سوالم ماهیت ایده و پیشنهاد دارد. شما در ابتدای مصاحبه عنوان کردید در بازدید از مدارس کشور کانادا، برنامه‌هایی هم برای آشنایی دانش‌آموزان با مشاغل داشتند؛ آیا قرار است چنین برنامه‌ای برای دانش‌آموزان، به‌ویژه رشته علوم انسانی، اجرا شود که با دانشگاه و فضای کسب‌وکار ارتباط برقرار کنند؟

متأسفانه تا به امروز این اتفاق نیافتاده است، البته قرار بود در هفته مشاغل قدم‌هایی برداریم که کمتر موفق

